



جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه یکبار در تاریخ طی ۱۰۰ شماره و در تیرماه برای تیرماه امروزی همراه با آنحضرت انتشار مییابد

شماره یازدهم شبه شانزدهم مردادماه ۱۳۰۰

سران کشورهای توانمند در یک محیط آرام و بیطرف (تخت جمشید) بایکدیگر مذاکره کنند

تحلیلی همه جانبه از جنبه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مراسم جشن شاهنشاهی

از تروی و رایبه چاپ بلژیک در صفحه چهارم

۱۰۰ لوص آراک و آراک کر

پاداش و پادا فره،
مظاهر دادگری اهورایی

داریوش شاه گوید :
بخواست اهورامزدا ، من شاهم . اهورامزدا شاهی را
بین ارزانی فرمود .
داریوش شاه گوید : این است کنورهائی که در فرمان
من هستند و من بیاری اهورامزدا بر آنها شاهم .
بقیه در صفحه ۶

* حادثه قرن

از : سمن چاپ برانسلوا

* منشور کورش
و جراید هلند

تخت جمشید
چه میگوید؟

قرنها بود پیام تخت جمشید را ، فقط روزگرمینشید . این بنیاد استوار ، اگر خست و کشتی فروریخته بود ، اما ستونهای سر به آسمان آبی بلند میسود ، نخستین بار که از بنیادهای دور ، اروپا باین مامان روی آورد ، بنیاد کوشید تا بانک رسای تخت جمشید را ، که از هر صدای دیگر بلندتر ، طنین افکن بود ، شنود ، و پیامی را که در آنست دریافت ، و بآنکه این پیام را نخت ، پادشاه و تمدن ، و با در واقع پادشاه غرب ، مخالف دیده ، چندان شفته شد ، که بهشتانی هر چه بیشتر آن هست بست ، و باهر آشنایی ، شکوه و جلالتی که پدیدار گشت ، بنی عظیمتر از ایت دوران بیگانگی بود .

این پیام اعتبار ، سرانجام شگفتیهای بسیار آشکار ساخت ، و بسیار تصورها و افسانههای کهن را که برای غرب ، جانشین تاریخ تمدن باستان شده بود ، بهیروزافزانهها بازگرداند ، و سرچشمه هر روشنائی و نور را که در تمدن نو هست ، و غرب گمان میرود ، از سینه جزیره های یونان ، روینده است ، در بین پیام تخت جمشید نمایان دید .

پارکشف و آشنایی تازه ، باستان شناس غربی ، بیشتر به شوق آمد . او ، در دل دخمه های دیرینه سال و مدفون گشته ، پدیده های از یاد رفته رسید . و هر دنیا را ، خیره کننده تر و فنیتر از بزرگیهایی که تا آن زمان شناخت و میستود ، یافت .

در تخت جمشید ، باستان شناس ، توانست ، رازهای سر به مهر و ناشناخته ، را بیاید . که تنها با کشف آنها میتوان ، سن تمدن و فرهنگ ایرانی را درک کرد ، و به روح آیین پیوسته ای رسید که نمایان ، و حصار و رستگانه این تمدن و فرهنگ بوده است . و همچنان تا زمان ما باقی و پایدار مانده است . و تخت جمشید با آن ستونهای سنگی برآمده در صفه کوه رحمت ، دروازه های دنیایی را ، بروی باستان شناس گشود ، که در تارک تمدن یونان و روم ، و در سینه کتاب مقدس یهود نیز ، که برایش گذرگاه آشنایی به گذشته خیال انگیز و پر شکوه بود ، باین عظمت و وسعت زار نیافته بود ، و تازه در مییافت ، که آن تمدن ها بمنزله جای پای از چنین گذشته شکفتن و حیرت خیز است .

تب شوق و شگفتی باستان شناس ، دیر زمانی گذشت تا در روشنفکر و صاحب اندیشه ایرانی گرفت ، و این باروزگاری همراه شد که ما میتوانیم آنرا ، به حق ، بر آغاز رنسانس و بقیه در صفحه ۲

۶۷ روز تا آغاز جشن شاهنشاهی فاصله داریم

جشن شاهنشاهی ایران ، جشن تمدن جهانی است

گرامی داشتن مقام و حقوق زن

سنتی است از ایران باستان

شاه و میهن
در ادبیات ایران
صفحه هفتم

تحقیقی تاریخی در سیمای انسانی و عاطفی

کورش بزرگ

از : سید احمد علی دانشمند هندی

دردمان زرفناکر انسان جستجوگر
آگاه که از نطق و کاوش دروازه
های طبیعت ، میسایند ، اندیشه ای
را در دواور او ، شکل میدهند .
اندیشه ای که رسیدن به آن ،
در یافتن آن و بکار گرفتن آن ،
همز دامه ای حیات و دلبه زوستی
را پدیدار میسازد . و ایمن
اندیشه و باور داشتن این نکته
است که آدمیان ، از طبیعت و
از سامان آفرینش ، به پابهای
برایین ، بهره گرفته اند . و هیچ
وژی ، و هیچ امتیازی از دیدگاه
بقیه در صفحه ۷

روزنامه ۲۵ ساله مسیاری ایران

(۱۲)

نویسنده در نتیجه «بیروزی» به نتیجه فطری نرسیده. ۶ سال پس از بازگشت یاقی از سوریه و باردگر میان درویشان و پارت‌نبردی در گرفت.

شاهنشاه ارد، که بیروزی و دوسایه اواده و بدست‌سردار بزرگ ارد، و سپاهیان دلوروش بدست آمده بود، تیسون را پایتخت فراراد، در نتیجه این بیروزی بزرگ، بین‌النهرین به دولت پارت واگذار شد. ارمنستان از آشوب آسود و پارت‌تاریخ ایران گریزد. و از همه مهمتر، این بیروزی و شورهای جنگلی استعمارگر را در میانه دیگر ملل پارت‌تاریخ است. اما آسوسی که در خارج از قلمرو شاهنشاهی مردان کاردانی نبودند تا چون شاه‌ایران‌زمین، روم‌محرمی و گستره‌ها به جای خود، غلب دارند. اما تاریخ‌شناسان قوه کرده که این بیروزی، باعث آمدن جلو بیروزی روم گرفته شد. و در استان حبشی که اندیشه‌های نژاد، غارت و برتری درسی داشت، سرافک‌بار می‌آورد، واکنوه که آینده نمود، مسیر تاریخ را، بیروزی درخشان ایران تغییر داد.

۵۱

شاهنشاه ارد اول، ازده کرد تا سوریه را تسخیر کند. او سپس چوآن خود و «یاکی» را مانور فتح این سرزمین کرد و «یاکی» برترید. سپاهی مردان سوریه را از «قرات» گشتند و پس از نبرد یاقی متغیخ و دوسایه را به تصرف درآوردند. اما مستائله، در یک موقعیت نامعوس، کاسوسی حاوی کوه به نجات انطاکیه گرفته بود. یاری دومیان گریسه‌ها سپاه پارت است. اسامک سردار دلیر ناجوان‌مرده زخم برداشت و شربت مقدس شهادت

قبل از میلاد

کاخ بزبور که «الای» «بار» «آبادانا» نیز جزو آن بود، مانند تخت‌لیلیمان یا مانند یوران‌اول باسارکاد روی تختی برپا شده بود. برای این کار روی تپه‌ای که از ویرانه‌های ساختمان‌های قبلی بوده و آمده بود، ساختند و با ساختن دیوارهای ضخیم بنان پوست بیشتر بنایند. این دیوارها با پرده‌ها ساخته می‌شد، که ابتدا با خشت خام و خشت‌پخته بود و به‌تدریج در میانه آن مقدار زایمی سنگ‌نیزه می‌ریختند. «آبادانا» نسبت به قسمت‌های دیگر کاخ پلرف شالی‌ش رنگی پخته‌نکره بود. و به‌این‌جهان‌ان قرارداد شده بود که از سفوف به‌صیقل‌های در شمال و مغرب و شاید در مشرق‌ان قرار داشتند. راد می‌ماندند.

سرماز تحقیقاتی که نمودیم توانستیم محل دیوارها و ایوان‌نوردار شالی مربوط به «آبادانا» را بدانیم و به این طریق موفق شدیم طرح آنرا بدست آوریم. این طرح بهمان نشان می‌دهد که اصول معماری معمول بود و با سایر کاخ‌های دیگر با هم تفاوتی نداشت. در کاخ نیز سقفی بود که تالار مرکزی سه مربعی و واقع در وسط بود. «آبادانا» روی سترده‌ها که در حریف دارای ستون استون ازینگی بودی تکیه‌ها داشت. این ستون‌ها را با مهارت فوق‌العاده‌ای پلایه‌نمودند. باقی ستون‌ها شیار داره و پایه‌ها هم مربع و سربوستان مرکزی از قسمت قلابی دوگاور است که در ارتفاع بیست متر از کف تالار قرار داده شده‌اند. در دوران‌های کهن هرگز البته قسمت‌های قلی‌کاوای ز نقلیه مستقیم از نوبه‌نوردان نبود. های آشوری یا بابلی هستند. ولی با توجه به یک «قدیم‌نامی» آن‌ها، کاملاً پیدا است که از طبیعت‌نقلیه کرده‌اند و از این جهت از دیوارهای آشوری و بابیلی دور میروند و شخصیتی پیدا میکنند. هر ایوان ستوندار شامل دویزلی شی سربو، و در پایه‌ستون‌ها ازین شکل است. و زینت و نقش ستون‌ها نیز فروداشت و تمثال‌گذار برکتی بود. مجموع ستون‌ها برنگ زرد روشن بود بطوری که شباهت به سر می‌دهد. می‌کرد و همنما این‌رنگ‌ها زینت نقاشی سگ‌ها می‌کرد که از این جهت به‌تدریج‌باین نقطه محل شده‌بودند می‌پوشاید. امروز ما در نتیجه این جان‌نیزیل که در ایلام نزدیک کوش واقع است، می‌دانیم که داریوش طرح‌کاخ خود را از طرح‌کاخ‌های

۳۷
اندوه، مثل موربانه است، انسان راه از دون مجید، می‌گرشد و اندک اندک او را می‌کشد و سایه اندوه‌تنگامی طغیرو محیط بزاید. در سوخته‌تنگ‌اندک از آهنگ نیش‌ها، ظنیر مهرش جاریست. «ارد» اول، شاه مهربان و پداریخت، اندام مرکز فرزند خود شد و روزگاری بعد و مقاب خیانت، سایه بالهائی خود را بر دوش یکی از جانشان افکند. و پارتیکر دست حائده، و وسوسه افریند، روزگار او را، درده او را، و سردار دلاور او را بدست‌تنگامی که فرشته‌های پارتیکر به‌مرتب‌آلا رسانید.

۳۷

آنان که اندیشه‌های برتری دارند، در انتظار فرارسیدن زمان دادنه نمی‌نشینند. موفقیت‌های مختلف را می‌ستند. جوانب کار را، با نیروی اندیشه، ارزش‌یابی می‌کنند و پس از یافتن و دریافتن موفقیت‌ها، و آنچه راه که از این موفقیت‌ها حاصل می‌آید، به‌جاده‌گری می‌پردازند و موضع‌گیری می‌کنند. و بدین‌سان، آنان، همیشه پیش از حوادث می‌ایزند. این‌گونه، پارتیکر، که سالها قبل قیوم‌الهرین‌باید، و نظم‌بست، حاوی چند سپاهی نامداشت، و شاهان بزرگ پارسی، به‌تدریج در نجات یافتند. کامین، ایثنی پلید است. و از آن احتراز می‌جستند. زیرا شکتی‌شاید که کثیر کردار هر کسی، سرانجام، دامن هستی او را در شکست‌مشارد. «ارد اول»، در حقیقت، در این‌جهاد، جان خود را باخت. و فرهاد «چهارم»، «فراتسی»، که او را «اشک چادرهم» می‌دانند، پس از پدر خود، بر تخت نشست. او، آئین شاهی، بجای آورد. و چون می‌انگشید، که شاید تنی چند در کار لوط‌طها باشند، با پارتیکر برای ادامه نفوذ و برتری خود، ایران‌زمین را با هشتادگی پلایانه، محصلت دید که آنان را از میان بردارد. و ختن‌کرد. او، ببنیتی‌او، پایانی معرفی‌ت نامداشت و این‌کار باعث آمدن، ژوهی از این روم‌روز راه گریز بگزید و «هنوز» یک‌بار این گروه بود، و او، در اتوان، «سردار روم» که بر آن سرزمین حکم می‌راند، باخته‌شد. و او را در کار حمله به ایران شتوق کرد. و اتوان، «سردار رومی» به‌سودی خام خود، ندانست که اکنون هنگام آن رسیده تا به‌عوس خود چانه‌های او بشود.

کراسوس، پیش‌ازاین، بران‌سروان‌د سرتگشت پس‌جستند فیلیم، که بدست هشرایش نوشته شده بود، به‌عوس تسلیم خاطره کشورنگشالی او افتاد. چهل‌هزار سپاهی او، از همان راه که اسکندر آمده بود به آسیا گشت‌نویسی، «دیمیچ» که او، در برابر سپاهیان دلورویات و مردان آزادی ایران‌زمین، شکست و مرگنا پذیرا شد و کراسوس نیز، باعث آمدن «سورین» پارتیکر شد. و «سزاول» هم سودای خام او را در دل پخت ولی هرگز فرصت نیافت خامی بخند خود را دریابد. و واکنون اتوان، سردار روم بود که میبایست پارتیکر، منشا ایرانی، و یکپارچگی دلاوری سپاهیان رومی را بنیازماید و تجربه‌ی دیگری، بر سینه‌ی تاریخ بنگارد! اما، این‌بار، او به‌سلاخی مجهز بود که کراسوس یا فافان او بودند و آنرا به چیزی نمی‌گفتند. او به‌سلاخی تجربه‌ای دیگری، می‌یافتند. و دهمین تجربه سبب شده که سپاهی‌های سه برابر سپاهیان کراسوس، و دلوروی از او، و روانه آسیا شود و با آنقدر تغلیت، نقشه سزار را، برای پوشش به‌سرزمین‌های شاهنشاهی برترینند. او این‌بار، از اجدمات و جنگ‌ها «ارنه‌باک»، شاه اردن‌هم، «سود برترید» اتوان از راه جلگه به‌ایران می‌آید. و او را کوشته‌های شمال غربی را برترید. و از ارمنستان به «امدیوک» ناخت و آنرا در بدست غارتگری و پلیدی خود و سپاهیان گشته چشمش سپرد. و آنگاه هوس‌گرد بر دامنه توفحات خود بگرداید!



خصوصیت ملی در معماری هخامنشی

کرده‌است و به منزله تصویری از زوج شاهنشاهی بود، و توقعی را که شاه از ملت‌هایش داشته نشان‌دهنده است.

کتیبه دیگری که از اردشیر دوم است حکایت می‌کند که کوش در زمان پدرش اردشیر اول آتش‌گرفت و او اقدام به ساختن مجدد آن نمود. مامور می‌کند که آتش را این‌بار بطوری انجام گرفته که کشته اصلی داریوش‌بهم نغمه نبرد است.

تمام زینت و «آبادانا» و قسمت‌های دیگر کاخ شوش به وسیله آجرهای لعاب‌دار انجام گرفته‌است. نطق ستون‌ها و ریشه‌های دروازه‌ها از سنگ ساخته شده‌است. در این‌جهاد کاخ بزرگ شوش خود پلایه‌هنگ سنگ یا خشت‌ریخته‌است لیکن از پایه‌ها و ستون‌ها به‌سبب سنگی از داریوش (۲) مامور می‌کنند که قسمت‌های داخلی بنا نیز با آجرهای لعاب‌دار زینت‌دهند. به‌سبب طرح‌خارجی که بوسیله آجر لعاب‌دار زینت شده بود بسیار زیاده بود و ارتفاع «آبادانا» از کف حیاط احتمالا ۲۰ متر تجاوز می‌کرد. در شوش نیز مانند پاسارگاد تالار و «آبادانا» و زحمات فرشتگان نیک‌کار فراگردیده بود یعنی آنها در میانه بر کهای خرما و گل‌های پنجره قرار داشت. و این‌گونه‌ها که طبق سنن قدیم نقش می‌شد، نقش سربازان جاودان را اضافه نمودند. می‌کنند داریوش یا از این سربازان جاودان در گذرگاه‌های بصری کنار بیروزی گردیده‌اند. مردم خاره و مستعدانه به علاوه این سربازان برای بستن آوردن تاج پادشاهی به‌او کمک کرده‌بودند.

نام

تاریخ، گواهی می‌دهد که هوار در راه اراده‌ی آنان که پلیدی در قلمرو جانشان حکم می‌راند، مانعی وجود دارد. و اتوان خام قطع، نیز، در این شوش همین سخن می‌گوید. او، انتخاب اسیر نسی خود بود که حتی در اطلاعات تاریخی، لحظاتی که حیاط می‌مرده انسان، به‌منتهی آن بستگی دارد، از اندیشه‌ی زینت‌کاری‌اش است. او، می‌خواستند هرچه زودتر بیگر بریان و وسوسه‌گر دکوراتیو را در دام رهبر، دریابد! و همین تیزبازی، باعث آمدن، راد، او، دامه خود را در سپاهی‌ها کند.

سیاه خود راه که خسته بودند، هم، که اندیشه‌ی آسایش آنان را در سر آورد، به‌همراه «ارنه‌باک» خود بود که آسایش داشت و صلاح نگین قلعه‌نویس را، و در نیمه‌راه و واقعات. و در همین حال، که ایران‌زمین، در کار چاره‌گیری بود، شاه اندیشمند، چون از این واقعه آگاهی یافت گروهی از سپاه خود را به‌فرمانده‌ی اردشیر اول مامور کرد تا این جنگی را از میان‌بردارند. و آنان، پس‌از دریافتن کشته‌ها و کار سلاخی‌های «اتوان»، و محافظان «اتوان» و «ایاتوس»، سربو و رهبر محافظان را کشتند. و دشمن، نخستین تفرقه‌ی نیروی سپاه خود را دریافت. «اتوان» پس، در شیوه‌ی کشته‌ها و سپاهیان ملاور و هوشمند، پارت افتاد. آنان، دشمن راه باشو به جنگ و ریزی، «شیره» طاعت‌نویس خود، کشته کردند و اتوان در دیداردهای بی‌شهری با سران اجماع جاگانه و کلنگ‌ها شکران آنتوان را به‌عزر اردشیر اول برنگرد. و اتوان، که چاره‌های خسته‌گرانه او تأیید داشت از اندیشه‌ی خود درگذشت و تنها باین‌بل خوش شانس فرشته‌های آسرای رومی، و بی‌خبرنامه راه، پارسیه دو جنگ پهل‌سوس فرشته بودند که پس‌از شاه، سود و فرهاد، شاه ایران‌زمین، این نقاشی تزیینت داشت. و اتوان را نیز بفرستند. و او، پس از گرفتن پارتیکر از داریوش چند ضرور حاشی، فرقه‌های خود، که راه گریز و فرار را به‌او نشان می‌دادند، و خبر تقوی‌های این‌جهاد شاهنشاهی را برایش فاش می‌نمایند.

روزنامه‌چشم‌شاهنشاهی

جاودانه حماسه های شاهنشاهی

سنگ نبشته داریوش بر سینه بیستون

-۳-



داریوش شاه گوید : زود من سپاهی به بابل فرستادم ، و ویندفرته نام مادی را که در فرمان من بود ، سردار کرده گفتم بروید این سپاهرا که در بابل است و خود را از من نمیدانند ، درم شکند ، ویندفرته پادشاه همراه سپاهی روانه اهورامزدا ، ویندفرته ، بابل را گرفت و آنرا به فرمان آورد . ماه مرگرفته ، روز بیست و دو بود که ارخه که خود را نیوکدنزور می نامید دستگیر شد و مردانی که با او هندست بودند ، گرفتار و مته شدند ، پس من چنین فرمودم ، که ارخه و همدستان بزرگ او را باید فریاد بهدار آورزند .

ستون چهارم

داریوش شاه گوید : اینست آنچه من در بابل کردم .
داریوش شاه گوید : اینست آنچه من کردم . هر چه کردم به هر گونه بهفر اهورامزدا بود ، از روزی که شاه شدم ، نوزده جنگ کردم ، به فر اهورامزدا سپاهشان را درهم شکستم و نه شاه را گرفتم گنومایمغ ، اترین ، نیدین نیر ، فرورتیش ، مرتیه ، چیرتسخه ، وهی زودانه ، ارخه ، فراده .
داریوش شاه گوید : اینست نامارا درگیر و در این جنگها دستگیر کردم .
داریوش شاه گوید : اینها بودند شهرها که شوریدند ، دروغ آنها را شوراند ، زیرا اینها به مردم دروغ گفتند پس اهورامزدا آنها را بدست من داد و چنان که میخواستم با آنها رفتار کردم .
داریوش شاه گوید ای کس این زمین شاه خواری بود ، خود را سخت از دروغ نکامدار . اگر اندیشه کنی ، که چه کنم تا شهرم آرام باشد ، دروغ گو را کیشرد .
داریوش شاه گوید : آنچه کردم ، به فر اهورامزدا ، از کوچک تا بزرگ کردم ، ای آنکه در اینده این نوشته را خوانی ، باور کن که این کارها را کرده ام ، آن را دروغ ندان .
داریوش شاه گوید : اهورامزدا گواه است که این کارها را از کوچک تا بزرگ کردم ، راست است ، به دروغ .
داریوش شاه گوید : بهفر اهورامزدا ، کارهای بسیار دیگر نیز کردم که در این نوشته نام آزان نوشته ام تا آن کس که پس از این

کردم ، بهخواست اهورامزدا بود ، اهورامزدا مرا یاری کرد و ایزدان دیگر نیز .
داریوش شاه گوید : از آن اهورامزدا مرا یاری کرد و ایزدان دیگر نیز که چه من چه دوستانم ، نهدش (بندخواه) بودیم نه دروغگو ، و نهی انصاف من پاراستی و دادگستری شاهي کردم ، نه بندم را آوردم و نه مردم ناتوان ، را ، مردی که دوستان مرا یاری کرد ، او را نواختم آنکه را که بدی بان کرده ، فتردم .

داریوش شاه گوید : ای آنکه پس از این شاه خواهی بود ، مردی را که دروغگو باشد ، و آنرا که بیداد کند دوست مباش ، از او باشمشیر برش کن .
داریوش شاه گوید : ای که این نوشته را که من نوشته ام این پیکرها بینی آنها را برمیکن ، تا تو این نگاهش دار .
داریوش شاه گوید : اگر این نوشته و این پیکرها بینی و آنها را برمیکنی ، و تادومان تو باشد ، آنها را نگاه داری ، اهورامزدا ترا یار ، و تختها بسیار ، و روزگارت درازباد ، آنچه تو کنی ، اهورامزدا آن کند .
داریوش شاه گوید : اگر این نوشته و این پیکرها بینی و آنها را برمیکنی و تادومان تو باشد ، آنها را نگاه نداری ، اهورا مزدا ترا بزند و دوستان تو نباید و آنچه کنی اهورامزدا آن نکند .

داریوش شاه گوید : اینهاست ، مردانی که با من بودند ، روزگاری که من گنومایمغ را ، که خود را بر پدای من نامید گنم ، اینها دوستان منند ، که بن یاری کرده اند : ویندفرته ، نام پسر ویسپار پارس ، اواتانه نام پسر توخرا پارس ، گویرووه نام پسر مردونیه پارس ویدرته نام پسر بقمبایغنه ، پارس ، یغ بوخش ، نام پسر دادوهی پارس ، آردوتیش نام پسر وهوگ پارس .

داریوش شاه گوید : ای آنکه پس از این شاه خواهی بود ، این مردان کاره را ، که با داریوش بودند و یاری آنها من این کارها کردم ، نکامدار ، چنین مردان را همیشه نکامدار .
داریوش شاه گوید : بهفر اهورامزدا من این نوشتهها به گونه دیگر نوشتم ، به آریایی که از این پیش بود .
من این نوشتهها را به همه شهرها فرستادم .

اگر پنهان نداری و به مردم بگویی ، اهورامزدا ترا یاری نکند و دوستان تو پاینده و روزگارت درازباد .
داریوش شاه گوید : اگر این گفتهها را پنهان داری و به مردم بگویی ، اهورامزدا ترا بزند و دوستان تو نباید .
داریوش شاه گوید : آنچه من از خردوکلان

نوشته را خوانند نیندازد این کارها بر پرسیار است ، آفر باور ندارد ، دروغ بداند .
داریوش شاه گوید : شاهان پیش در روزگار خویش چنین کارها نکردند ، و من بهفر اهورامزدا از خرد و کلان کردم .
داریوش شاه گوید : اکنون تو باورداستی ، آنچه را که کردم ، پس آنرا پنهان مدار ،

تخت جمشید چه میگوید ؟

اما امروز ، تخت جمشید برای جهان متعلق ، پیامی دارد ، پیامی که باید ، رهبران ملل ، از نزدیک بشنوند باید دنیا ، در فروغ رفقای عصر پهلوی ، رئاسان عصر آریانه ، به درک این پیام نائل گردند .

پیام تخت جمشید ، یکره برای باستان شناس بود ، و او را فرامیخواند ، تا تمدن دنیا را از آنچه می شناخت و می نداشت ، فراتر ببیند . روز دیگر این پیام برای ما بود ، برای ملت ایران ، که خود را بازشناسد ، و میراثی را که بیواسطه و یکدست به او تعلق دارد ، دریابد . گوهر تابناک تمدن و فرهنگ خویش را ، باشه های رنگین فرهنگ معاصر ، عوض نکند . این گوهر را از آن فرودشده آنچه ، دنیا ، امروز گرامی میدارد ، داده آن گوهر و این میراث است .

و امروز پیام تخت جمشید ، برای دنیا است . رسالت این پیام را ، تخت جمشید ، باشاهنشاه آریانه ، سپرده است . با گمانتین ، و دانانین شاهنشاه ، که تصور ایران خویش دیده است . و شایسته ترین فرزند که برابر آنچه کوروش کرد و داریوش اقتس رسیده است ، ملت و کشور خویش را بدان مرتبه از پیشرفت رسانده است که اعتبار و حیثیت جهانی ایران امروز ، مجال میدهد دنیا ، را ، به تخت جمشید فراخواند . پیام تخت جمشید را روزی برای آنها در میان گذارد . تخت جمشید ، برای دنیا ، پیام صلح و آرامش و هوسستی دارد . و شاهنشاه ایران ، رسالت تمدن و فرهنگ کشور خویش را بارگزاری چنین دوزخوار باصلح شاهنشاهی بجا می آورند ، رهبران جهان ، در برابر آن کوه عظمت ستونهای سر بر آورده و خویش لیکتر احساس می کنند که دنیا با صلح نیازمند است ، با صلح و هنرستی و برادری

آغاز شاهنشاهی ایران را ، آغاز مرحله ای در تاریخ تمدن جهانی بشناسد ، تا بسیار از مهمات گذشته خود را ، بتواند روشن و آشکار سازد . و انسان عصر ما ، بسیار چیز را که می نداشت از او آغاز میشود ، و به زمان او ، مربوط است . بنگرد که دوزخوار باصلح شاهنشاهی آغاز گشته است . و به نوآوریها و سنت گذاریهای شاهنشاهی ایران میرسد . این کلام بود ، که بعدها سر در یک پرستگاه یونانی را آراست و چنانکه گفته اند ، در دیوان آن فرزانه پادشاه انقلابی پدید آورد ، راست ترین داوری درباره نوآوریهای زمان ماست . گوئی هر روز ستونهای استوار و سربزافراشته تخت جمشید ، تکرار میکنند که « در جهان هیچ چیز تازه نیست »

اگر نزدیک به یک قرن پیش ، پیام تخت جمشید ، پیامی بود که باستان شناس را ، خیره میکرد ، و اگر نیک ترن پیش ، یومندان ایران ، بشنیدند و بازگفتن این پیام بر آوردند ، اما ، اکنون ما ، به زمانی رسیده ایم ، که این پیام را ، پیام تمدن را ، پیام آرامش و ولاش جهانی برای صلح را ، باید تمام مردم جهان بشنوند .
روزی که جهان تمدن ، بیست و پنج قرن پیش ، روشنایی این شاهنشاهی ایران رونق و باروری خود را آغاز کرد ، هرگز گمان نمیرفت ، خرابی ، این گفتن سحرگامی را تهدید کند . آنچه برای پیشرفت و پیوستگی تمدن ها و فرهنگهای جهان لازم بوده ، نظم گسترده و استوار شاهنشاهی فراهم آورده بود .

بقیه از صفحه ۱
بازگشت به شاهنشاه تمدن ایرانی باقیم . دوران آغاز شاهنشاهی خاندان پهلوی ، و در این روزگار بود که کاوش در گذشته ایران ، از مرز کوشهای آکادمیک گروههای باستان شناس ، و گروههای موزدار ، در غرب ، عبور کرد ، و بصورت یک موضوع زنده درآمد .

پیامهای تخت جمشید ، اگر باستان شناس غربی را به هیجان میآورد ، و او را در فضای گنابنده ، و در میان تصویر سنگ نبشته ها ، و بناها و دستاوردهای دیگر ، به شکفتن های تازه از گفتنیهای مابقی ، فرو میبرد ، اما برای اندیشه مند ایرانی ، سرشار از زندگی بود . و او را به چشمهای جوانی گمشده تمدن و فرهنگ خویش رهبری میکرد . چشمه های که گوئی نهانی در جان او میجوید .

و اینگونه بود که آیین دریای شاهنشاهی ، گوهر خود را ، از اعصاب گنخته دور ، بیرون کشید . و بازشناسی خویش را ، بنیاد گذاشت . هم برای خویش ، هم برای جهان . و ایران شناسی ، از قلمرو باستان شناسی گذشت . و دنیا آرا بعنوان پادشاه زنده ، یک شناسایی پیوسته ، از تمدن به انتفاع و ناگسستی ایران ، بازماند .
باستان شناسی میدید این آشناری است که بی انتفاع ، از دوران کوروش تا زمان ما ، خروریده است و باستان شناسی ، دیدن دیگر باید دانش ایران شناسی را ، از قلمرو باستان شناسی بیرون بگذارد ، باستان شناسی مفهوم و معنایی وسیعتر از آنچه پیش از این داشت پختند . و دنیا می بیند ، باید

بخش‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران



چکسوالوی

روزنامه سمن چاپ براتیسلاوا

حادثه قرن

این روزنامه تحت‌عنوان بالا شصت و شش پیرامون دوازده‌روایان صدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بدست کوروش بزرگ نوشته است. در تخت جمشید، پایتخت باستانی ایران بخاطر تدارک این مراسم تلاش ملی وسیع و دامنه‌داری آغاز شده است.

سمن نوشته است کوروش بزرگ در سال ۵۵۰ قبل از میلاد مسیح پس از نابود کردن امپراتوری مقدونی و متحد ساختن ملت ایران که از قبایل و اقوام پراکنده تشکیل شده بود خود را برای اولین بار شاهنشاه خواند و باین ترتیب شاهنشاهی نیرومند و عظیمی را پی‌ریزی کرد. سمن مینویسد هر آسمی که اسامی در ایران برپا می‌شود نیک حادثه مهم سال، بلکه مهم‌ترین واقعه قرن بیستم بشمار می‌رود در واقع این عنوانی است که همه مطبوعات جهان به مراسم جشن شاهنشاهی ایران داده‌اند و بیش از پنجاه هزار فرهنگ‌ی جهان در آن شرکت خواهند کرد. شاهان، روسای جمهوری و هم‌زمان نخست‌وزیران ممالک هر پنج اقلیم در این جشنها شرکت خواهند داشت.

سمن همچنین یادآوری میکند که جشنهای شاهنشاهی ایران از نظر تک تک به عمران و آبادی ایران تأثیر عمیق باقی می‌گذارد و بسیاری از بنیادها و مدارس، مراکز تولید برق، شهرها، پارکها و میدانهای جدید بخاطر این جشنها و بخاطر بزرگداشت خاطره کوروش کبیر پدید آمده است و در صنعت توریستی ایران تحول بزرگی بوجود می‌آورد.

سران کشورها میتوانند در محیط آزاد و بیطرف در تخت جمشید بایکدیگر مذاکره کنند

تحلیلی همه‌جانبه از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مراسم جشن شاهنشاهی

از تروی و وایه - چاپ بلژیک

روزنامه تروی و وایه بنیادست فرا رسیدن جشن‌های شاهنشاهی ایران مطالبی درباره پیشرفت‌های بعد از انقلاب سید ایران و سابق تاریخی و درخشان کشور ما نوشته است که ایک خلاصه‌ای از مندرجات آن را ملاحظه می‌کنید.

این روزنامه می‌نویسد: دو ماه اخیر آینده پنجاه رئیس‌کشور در چادرهایی که در پای دیوارهای تخت‌جمشید برپا شده است گرد هم خواهند آمد و اقامت خواهند کرد. دولت ایران در نظر دارد که با برگزاری این جشن و مراسم مجید آن ضمن برگزاری تشریفات باستانی ایران توریست‌ها را نیز به کشور جلب کند.

چیزی هست که در ماه اخیر آینده در کنار تخت جمشید شهر باستانی ایران برپا خواهد شد در حالیکه بنیادست دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی درخشان ایران برپا می‌شود هدف مهم دیگری نیز دارد و آن نشان دادن و معرفی امکانات بسیار توریستی و اقتصادی ایران و پیشرفت‌های همد جانبه این مملکت طرف مالهای اخیر است.

تروی و وایه در این زمینه زیر عنوان (کشوری که تغییر شکل می‌یابد) نوشته است: این حقیقت است که ایران از چند سال پیش باینظرف در یک فراوانی و رفاه اقتصادی گفتگویی بر می‌برد. بارهای این پیشرفت گشت‌انگیز اقتصادی را نتیجه اکتشاف و بهره برداری از منابع نفت میدانند ولی چنانکه همه میدانند نفت موجب سبب موفقیت‌های کویلیتر ایران در تمام زمینه‌ها نیست بلکه یکی از علل مهم ترقی و تعالی سریع ایران همان اکتشاف ارض است که در نتیجه اجرای قوانین مربوط به آن سازمان اجتماعی و اقتصاد کشاورزی ایران زیر و رو شده است.

جلب سرمایه‌گذاری

ایران امروز بتدریج و با سرعت و با تأسیسات اقتصادی که برای هر دولت پیشرفته لازم است مجهز می‌شود. این کشور بر اثر داشتن منابع متعدد و امکانات زیاد طبیعتاً سرمایه‌گذاران خارجی را برای فعالیت در ایران بخود جلب می‌کند و نتیجه این امکانات و پیشرفت‌های که بطور مداوم در ایران در تمام جنبه‌ها جریان دارد این است که سرزمین باستانی ایران در هر چه کشورها صنعتی وارد شود.

این روزنامه پس از اشاره به صنعتی شدن سریع ایران می‌نویسد: دلیل اصلی آنست که اخیراً نخست وزیر ایران از بلژیک برای بررسی امکانات تأسیس یک کارخانه نساجی با سرمایه مشترک ایران و بلژیک دیدن کرد و همین جهت است که گفته می‌شود ایران از چند سال پیش باینظرف وارد مرحله تغییر شکل و دگرگونی شده است.

جشن دگرگونی

تروی و وایه پس تأکید کرده است که در اکثر آینده در تخت‌جمشید این دگرگونی جشن گرفته می‌شود و در واقع عظمت گذشته این کشور و آینده درخشان و مطمئن آن تأکید می‌شود و اهمیت اقتصادی این جشن با اهمیت تاریخی آن در هم آمیخته می‌گردد و بالاخره اهمیت مسئله جلب توریست و سیاح و جهانگرد نیز بر آن افزوده می‌شود.

روزنامه مذکور پس به آثار تاریخی و باستانی ایران اشاره کرده و خاطر نشان نموده است که ایران در واقع یک کشیده عظیم توریستی است و دولت ایران باین جهت خاطر در نظر دارد برای افزایش ثروت کشور خود از امکانات توریستی آن پیش از پیش و تسرحد امکان بهره‌برداری نماید و بنابراین جای شگفتی نیست که شاهنشاهی ایران تصمیم گرفته‌اند بنیادست دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران جشن‌های باشکوهی که مراسم بسیار بدوون شک از آن گفتگو خواهند کرد ترتیب دهند و دستور دهند در تخت جمشید مکتبه‌ای که با یادگار ویرانه‌های توریستی آینده ایران خواهد بود احداث شود.

پس از پایان جشنها و برگزاری مراسم مربوط به دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران، مهمانانها و چادرهای محل اقامت مهمانان جشن‌های شاهنشاهی ایران به سازمانها و سیاحتان ایران وگامتر خواهد شد تا این سازمان بتواند از امکانات بدست آمده برای جلب سیاح حاکمتر استفاده را ببرد و از سوی

هلند:

روزنامه (دوینوله‌لمبورخ) چاپ ماستریخت،

روزنامه (دوتیاید) چاپ آمستردام

روزنامه (خوی‌ان‌ایم‌لاندر)

قرائت منشور کوروش کبیر

روزنامه‌های هلندی مقالات مسوطی درباره جشنهای دوهزار و پانصدساله شاهنشاهی ایران منتشر کرده‌اند و نوشته‌اند که پیش از ۳۱ تن از پادشاهان ملکه‌ها و سران کشورهای جهان در ماهه اکثر در جشن باشکوهی که بنیادست شاهنشاهی دوهزار و پانصدساله ایران در تخت‌جمشید برگزار خواهد شد شرکت خواهند کرد.

در این محل خیسه‌هایی از مضمون لیلی‌نر می‌خوانند و سوال آشنایی براننده و شاهنشاه و جهانگوی ایران از میهمانان و پادشاهان شاهانه‌ای برپا می‌گردد.

یک گارد سلطنتی با لباسهای دوران هخامنشی از میهمانان استقبال خواهند کرد.

روزنامه‌های هلندی دگرگونی‌های خود نوشته‌اند انتظار می‌رود که قریب هزار خم‌نگار و عسکری و قیلمبردار برای تهیه‌گرایی از مراسم گوناگون جشنهای شاهنشاهی ایران با یک‌دیگر شرکت کنند. در جریان اجرای برنامه‌های گوناگون جشن‌های شاهنشاهی ایران، شاهنشاه ایران منشور تاریخی کوروش کبیر را برای میهمانان عالیقدر قرائت خواهند فرمود و سپس یک‌گارد سرزاد پالیساها و سلاحهای باستانی از برای میهمانان رزمجو خواهند کرد.

روزنامه‌های هلندی افزوده‌اند که پس از دوروز میهمانان عالیقدر شاهنشاهی ایران از تخت‌جمشید رهسپار تهران پایتخت ایران خواهند آمد و در تهران پانزده به عنوان پادشاهان پادشاهان ساخته شده افتتاح می‌شود. روزنامه‌های هلندی در بیان گزارشهای خود شرح مسوطی درباره احداث ۳۰۰۰ مدرسه پادشاه و اثرات این اقدام بزرگ فرهنگی نوشته‌اند.

دیگر موسسه «باشگاه مدیترانه» تصمیم گرفته است دهکده جالی برای جهانگردان و کسانیکه می‌خواهند تعطیلات خود را در آنجا بگذرانند احداث کند و سازمان دهندگان این دهکده تعطیلاتی می‌گویند که در نظر گرفتن عنوانی که از این حادثه بزرگ و مهم تاریخ چه از لحاظ توریستی و چه از جنبه‌های دیگر نصیب ایران خواهد شد مخارجی که برای ایجاد این دهکده می‌شود چندان اهمیتی ندارد و بزودی مستهلک می‌گردد.

قدمت هفت هزار ساله

تروی و وایه پس در باره چگونگی جشنها می‌نویسد: اصل تقریباً دو هزار و پانصد سال از تاریخ بنیانگذاری شاهنشاهی ایران توسط کوروش کبیر سیری خواهد شد و باینکه تمدن ایران در این تاریخ از این تاریخ نیز وجود داشته «چنانچه قمت آن به هفت هزار سال میرسد» ولی احراز و ایجاد شخصیت ملی ایران بدست کوروش کبیر انجام شده است که با وحدت پیشیند به ملت خود نشین شاهنشاهی باستانخ ایران گردید.

این روزنامه بلژیکی پس مینویسد: تخت جمشید، این اثر حیرت‌آور تاریخی که جزئی از میراث فرهنگی جهان محسوب می‌شود بصورت چهار چوبی برای برگزاری جشن‌های شاهنشاهی ایران انتخاب شده است. یک اردوگاه در تخت جمشید احداث می‌شود که در آن شاهنشاه و شهبانهای ایران از حدود پنجاه رئیس کشورهای پانزده می‌کنند. اعلیحضرت بودونگ پادشاه بلژیک، پادشاهان دانمارک و یونان و روسای جمهوری شوروی، آلمان غربی، یوگسلاوی و سنگال جزء میهمانان عالیقدر شاهنشاه و شهبانوی ایران هستند.

اردوی عظیم

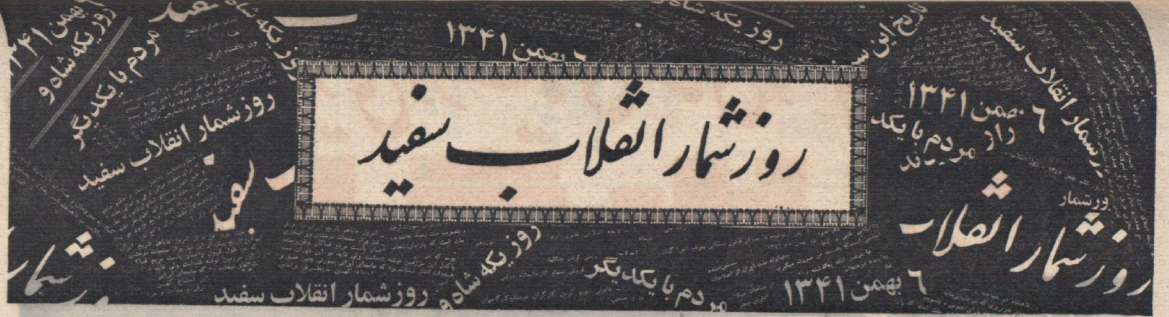
روزنامه بلژیکی پس به برنامه‌های جشن شاهنشاهی ایران اشاره کرده و نوشته است اول فرار بود که یک هتل در دوکی‌ویشتری برپا می‌شود (تخت جمشید) بنا شود ولی بعد از نظر تغییر یافت و قرار بر این شد که یک اردوگاه عظیم برپا شود و همه میهمانان در یک زمان در یکجا گرد هم آیند و همین جهت دهکده‌ای برای اقامت میهمانان عالیقدر شاهنشاه و شهبانوی ایران و پانزدهی از آنها احداث شده در وسط یک جنگل از درخت‌های سرو که بتازگی غرس شده ایجاد گردیده است و این اردو میجوعاً خواهد توانست پنج هزار نفر را در خود جای دهد.

روزنامه مذکور آنگاه خاطر نشان می‌کند که نمای تمام چادرهایی که برای اقامت و پذیرایی از میهمانان عالیقدر شاهنشاه ایران در نظر گرفته شده یکسان است و برای اینکه تفاوتی مشاهده نیا چادرهای همه سران کشورهای شرکت‌کننده در این جشن عظیم و با شکوه در یک سطح قرار خواهند داشت. این چادرها بر تنگ کل آشپزی خواهند بود و در داخل، هر یک از آنها بطرفی تزیین شده است. بارهای از چادرها بسک مدرن، بارهای بسک رمانتیک و برخی هم بصورت‌های دیگر تزیین شده است و این چادرها در واقع آبراهانه‌های کوچکی جدا از یکدیگر هستند.

علاوه بر اینها، چادرهای دیگری هم وجود دارد. از جمله یک سالن بسیار مجلل که چادرهای آن از مضمون ابروانی رنگ پوشیده شده است و در آن چای‌های نوری و انواع دیگری تزیین شده است. علاوه بر اینها یک سالن تئاتری با رنگ‌های آبی - قرمز و طلایی رنگ تزیین شده است و این احداث شده در این سالن بوفه‌های بسیار زیبا نصب می‌شود و میزبانی بطول ۱۶ متر برای پذیرایی از میهمانان در نظر گرفته شده که صحنه تقریباً می‌توانند در یک زمان از آن استفاده کنند.

باشگاه چادری

تروی و وایه نیز تشریح این دهکده اضافه کرده است که یک باشگاه چادری در تخت‌جمشید در نظر گرفته شده که از چندین قسمت تشکیل شده است و سک و دوکراسیون آن جزئی کلایسک و جزئی مدرن است. این باشگاه چادری باین جهت در نظر گرفته شده که سران کشورهای بتوانند در یک محیط بیطرف یکدیگر را ملاقات کنند و باهم گفتگو نمایند.



- ۱۴ - مراد
- وزارت اقتصاد کمک به جایکاران شمالرا برای افزایش میزان تولید چای از ۱۲ هزار تن به ۲۲ هزار تن در سال آغاز کرد.
- ۱۵ - مراد
- طرح توسعه و تکمیل سه کارخانه قند آپکو - قند چناران مشهد و قند ریمیر کرمان از تصویب نهایی گذشت و بین پیمانکاران امضا و مبادله شد.
- تأمین اعتباری به مبلغ ۲۰ میلیون ریال برای حفر چاه آب آشامیدنی در مناطق جنوبی استان خراسان به تصویب رسید.
- ۱۶ - مراد
- برای احداث ۶ خانه انصاف در مناطق (پاداجی - دهنواز - محمودآباد - چرخویه - مبارکه و باغ سرخ) در استان اصفهان ، اقدام کردید .
- ۱۷ - مراد
- ساختمان پل ۱۴۵ متری ۱۴ پایه در قریه شهابآباد در ۱۸ کیلومتری اصفهان وارد عمل شد . این پل روی رودخانه زاینده رودن و با یونجه کشاورزان و راهنماییهای سایهبان دانش ساخته میشود .
- ۱۸ - مراد
- سفر ۵۰ روزه هیات خیریت ایران برای بازاربای و ایجاد امکان توسعه روابط بازرگانی ایران و قاره افریقا به این قاره آغاز شد .
- طرح ارتباطی سواحل دریای خزر بوسیله « میکروویو کابل » برای ارتباط سریع میان شهرهای ساحلی دریای خزر و سایر شهرستانهای ایران منجمه رفت - همدان - کرمانشاهان - بروجرد - خرمآباد - زوقل - اهواز - خرمشهر - آبادان - بهبهان - مشهد - نیشابور - بیرجند - تربت حیدریه - شاهرود و بابل تصویب شد .
- با تأسیس این خط ارتباطی کلیه اهالی شهرستانها دران واحد میتوانند با تهران یا مراکز خارج از کشور مربوط شوند . هزینه اجرای این طرح ۲۱۶۹۲۱۶۰۰۰ ریال می باشد .
- ۱۹ - مراد
- بهره برداری از کارخانه لاستیک سازی بهی سلف کوردیج ایران آغاز گردید .
- ۲۰ - مراد
- شبکه چهارم تلفن پایتخت افتتاح شد .
- ۲۱ - مراد
- بیمارستان مجهز فرحناز بهلولی شروع بکار کرد .
- ۲۲ - مراد
- تسلیات لوله کشی آب آشامیدنی شهرستان خلخال پایان یافت .
- ۲۶ - مراد
- قرارداد هوایی ایران و شوروی به امضا رسید .
- ۲۷ - مراد
- قرارداد خرید دو کارخانه مدون و مجهز قند هریک بطریق ۶۰۰۰ تن از کشور بلژیک با منتهی گردید .
- ۲۸ - مراد
- بهره برداری از سه پل ارتباطی جدید الاحداث در بهشهر شروع شد .
- ۲۹ - مراد
- پنج هزار سند مالکیت بین کشاورزانی که مشمول مقررات اصلاحات ارضی بودند در شهرستان آمل تقسیم شد .
- ۴۰ - مراد
- تأسیسات آب و لوله کشی آب آشامیدنی شهرستان مرغه آغاز بکار کرد .
- شهر جدید الاحداث دریکاندر سواحل دریای خزر افتتاح شد .
- ۱ - شهریور ۱۳۴۴
- عملیات آسفالت کاری شاهراه - تهران - کرج شروع شد .
- ۲ - شهریور
- مراسم بهاب انداختن کشتی راهنمایی (فرحناز بهلولی) در زاین پیرگردش کشتی فرحناز که در زاین ساخته شده دارای ۴۴ متر طول و ۷ متر عرض میباشد و ۵۰ تن ظرفیت دارد .
- استاندار فارس اعلام کرد ۱۲۰ حلقه چاه در مناسی حفر شد و ده موتور برای آبیاری آن نصب گردید است .
- ۳ - شهریور
- ساختمان پل فلزی سیمینتونه شامل چهاردهنه ۲۶ متری که استانهای کرمانستان و دریاچهان شرقی وازچاب دیگر به آذربایجان غربی متصل میکند ، توسط مامورین راهسازی وزارت راه پایان یافت و بهره برداری از آن آغاز شد .
- استاد مالکیت ۸۱۵ کشاورز قریه شاهآباد در دماوند توزیع شد .
- ۴ - شهریور
- به میلیون کتاب درسی آماده شد در قیمت کتابهای درسی نسبت به سالهای گذشته ۴۰ درصد تخفیف داده شد است

- ۵ - شهریور
- عملیات ساختمانی احداث دومین هرسنان خرفه ای درشهر گرگان آغاز گردید . این هرسنان بطورسردرشد عملی و با اصول فنی بکار تربیت تکنیسین خواهد پرداخت .
- ۷ - شهریور
- کلاسهای آموزشی سیاه بیدات با شرکت ۳۳ دانشجوی دوره اول کشاورزیات دراولین دوره آموزشی ۶۰ پرشک ۳۱ دندان پزشکی ۳۳ داروساز - ۱۲ دامپزشک و ۳۰۰ بیپایه متوسط شرکت کردند .
- ۸ - شهریور
- برای انتقال برق سد سفیدرود به قزوین مطالعات آغاز شد .
- ۹ - شهریور
- سرویس پست سریع‌السر بین تهران و شهرستانهای کشور افتتاح شد .
- ۱۱ - شهریور
- راجا حضرتشاهپورخانلارمشا بهلولی دوستخرفه شای نویسیادادره تهران افتتاح کردند .
- ساختمان راه ۲۴ کیلومتری هرسنان لاهیجان تا ساحل دریا شروع شد .
- ۱۲ - شهریور
- از تأسیسات آب آشامیدنی هرسنان کازرون بهره برداری شد .
- ۱۳ - شهریور
- دره‌های ۷۵۰ هکتار ارضی زراسی در دهکده « ایلیچی » بیسن زاردرین تقسیم گردید .
- کلنگ ساختمان ۷۵ دستگاه خانه مسکونی دره‌هایاد توسط وزیر آبادانی وسکن بزیرین‌دهند .
- ۱۴ - شهریور
- ساختمان کارخانه ربوبیل‌سازی از ورق آهن شروع شد . دستور تسریع کارآفالت راه ساری به گرگان و شاهرود در مازندران صادر شد .
- ۱۵ - شهریور
- مرحله دوم اصلاحات ارضی ازتندنگ آغاز شد
- تسلیات آب آشامیدنی ولوله کشی هرسنان ساری افتتاح شد .
- اسفالت راه ساری - گرگان آغاز شد . این راه بطول ۱۹۸ کیلو متر و به عرض ۱۱ متر بصورت یکراه درچاه اول آماده می‌باشد
- ۱۶ - شهریور
- عملیات ساختمانی احداث دومین کارخانه قند دراستان خراسان پایان یافت .
- تسلیات آب آشامیدنی و لوله کشی آب‌بندراه در مازندران طی مراسم کشاورزیات
- ارتباط تلفن کاری بین شهرها بوهر ، بیرزجان - دالکی و کازرون برقرار گردید .
- ۱۷ - شهریور
- ۱۲۴ دستگاه ازخانه‌های سازمانی بین کین کارشدن واجند شرایط قرعه کشی گردید .

- ۱۸ - شهریور
- قرارداد اسفالت راقم - اراک و بروجرد امضا شد . طول این راه ۲۵۰ کیلومتر است
- ۱۸ - شهریور
- یک هیات ژاپنی برای مذاکره دریاب افزایش تجارت دو کشور واردتهران شد
- ۲۰ - شهریور
- مقدمات تأسیس کارخانه تکم سازی از صف در بندر لنگه فراهم گردید
- ۲۱ - شهریور
- عملیات رسانی و اسفالت راه نشرستم دراستان فارس با تمام رسید و بهره برداری از آن آغاز شد .
- برنامه طرح ساختمان خانه‌های سازمانی برای کارمندان دولت با اعتباری مبلغ یک میلیارد و چهارصد میلیون و شصت هزارریال به تصویب رسید .
- شروع مرحله دوم اصلاحات ارضی در آذربایجان غربی اعلام شد .
- ۲۲ - شهریور
- مراسم توزیع ۷۸۰۰ سند مالکیت کشاورزان استان فارس برگزار شد .
- با انجام این مراسم تعداد ۲۰۲ ده ششادگی و ۱۱۶۰ ده کشت از ششادگی دراستان فارس تصدیق شد که با احتساب آنها تعداد کشاورزانی که در این منطقه مشمول اصلاحات ارضی شده به ۱۷۵ هزارفرسید .
- ۲۳ - شهریور
- در آذربایجان شرقی آغاز مرحله دوم اصلاحات ارضی اعلام شد . طرح تأمین آب آشامیدنی هرسنان کازرون و اعتباری مبلغ ۵۰ میلیون ریال به تصویب هیات عامل سازمان برنامه رسید
- ۲۴ - شهریور
- دستور اعزام دوره چهارم سیاه دانش برهوشای کتور صادر شد .
- ۲۵ - شهریور
- مرحله دوم اصلاحات ارضی دراستان خراسان شروع گردید .
- واگذاری املاک مزروعی آستان قدس رضوی بشده ۳۶ پارچه آبادی درشهر و سایر شهرستانهای خراسان با اجاره ۹۹ ساله به کشاورزان شروع شد .
- ۳۶ - شهریور
- راهرو زیرزمینی بازار تهران توسط شهردار تهران افتتاح شد
- ۳۷ - شهریور
- ساختمان کارخانه تولید و مونتاژ موتورسیکلت با سرمایه ۵۰ میلیون ریال شروع گردید این کارخانه سالانه ۵۰ هزار موتورسیکلت در تهران تولید می‌کند .
- ۲۹ - شهریور
- شروع مرحله دوم اصلاحات ارضی دراستان مرکزی اعلام گردید . انتخاب اعضاء خانه انصاف در ۵ قریه از توابع نائین و ۵ قریه از قراء اردستان و یک قریه بروج آغاز شد .

پاداش و پادافره ، مظاهر دادگری اهورایی

چرا که آدمی ، اگر دریافت کردار نکوهیده و اندیشه‌های اهریمنی را ، پاداش نیکی است و محبت ، دیگر به انجام کارهای اهورایی رغبتی نشان نمیدهد . او باید بداند که نتیجه آنچه در اندیشه‌اش میگذرد ، اگر چاه عملی‌بوده و اگر به‌قالب کردار آید ، دامنگیر جامعه‌ای ، و حتی جوهری میشود که با او ، در یک زمان میزند . و چسبا که آبدنگان هم آثار تاثیر و نتیجه این بدبهارها ، دور نمانند .

این ، یک اصل کلی است که هر عملی شایسته پاداشی است . اگر هر مرز میان پاداشها بر خیزد ، مرز میان کارهای اهورایی و کارهای اهریمنی ، نمودی یکسان دارند . همان گونه بدو نوع زبان آلوده میشود که به حقیقت ، و همان‌سان آدمی دست صمیمیت را میفشارد که دست دشمنی را .

شاه شاهان ، فاروشی اندیشمند که خود ، به‌تاریکترین زوایای روح آدمی دست یافته بود و راز و رمز آنرا دریافتی بود ، در این مورد یادآوری میکند . « مردی که وفادار بود او را خوب نخواست ، و آنکه بی وفا بود او را سخت کبفرادم »

منهوم این سخن ، نمایشگر اندیشه روشن بین شاه بزرگ پارس است .

بسیار گمان اوراق زین تاریخ کشور باستانی ما ، حاوی اندیشه‌هایی است که در مجموع میتوان از زینا و بنیاد جامعه‌ای انسان‌پرا ، آنچه‌ان استوار سازد که تبار آدمی ، از گردن‌آهرین این باشد .

بقیه از صفحه ۱

« پارسا - ایلام - بابل - آشور - آریایا - مودرایا - سرزمینهای که در دریا هستند (جزایر) : سیردا - یونیا - مادا - ارمینیا - کتبتوکا - زرتکا - زرتکا - هراویوک - اوزاریست - باختر - سوغودا - گنداراک - سکا - شات‌گوش - رنج - سکا - رومیج ۳۴ کشور .

داریوش شاه گوید : این است کشورهایی که بفرمان من در آمدند آنچه از سوی من ، به آنها گفته شد چه شب و چه روز ، همان کرده شد . بخواست خدا ، فرمانبردار من شدند . بین باج دادند .

داریوش شاه گوید :

در این کشورها ، مردی که وفادار بود ، او را خوب نخواست . آنکه بی وفا بود ، او را سخت کبفرادم . بخواست اهورامزدا ، این است کشورهایی که بتاتون من ارج نهادند . و چنانکه به آنها ، از سوی من گفته شد ، همچنان کرده شد . « بندپنجه ، ششم ، هفتم و هشتم از سنگ نشسته داریوش یکم شاهنشاه هخامنشی »

هرگز نمیتوان پذیرفت که آدمی ، پاداش همهی کردارها را ، به‌گونه‌ای و به‌ایه‌ای مساوی بر گزار کند . هر کاری ، شایسته پاداش و سزاوار کردی هسان است . محبت را نمیتوان ، سزین نمیتوان پاسخ گفت و پلیدی را نمیتوان پانیک جبران کرد . چرا که آدمی ، خود پذیراست .

روزنامه جشن شاهنشاهی

شماره دوازدهم

صفحه ۶

شاه و مسکن در اداسات ایران

از: ابراهیم صبوا

موج شکن

تو ای سنگ سر سخت و خاموش ساحل
تترسیدی از موجهای خروشان

اگر گشت دریا گرفتار طوفان
اگر آفتاب است و گرابر و باران

ز دریا بسی سهمگین موج خیزد
شتابند سوی تو امواج و خشی

نه از انقلاب هوا در هراسی
حوادث ترا خم بابر و بیارد

ز آسیب دوران بسی لطمه دیدی
شگفت آیدم ز اینهمه استقامت

تو ای خاک پاک دلاویز ایران
بسی دیده ای لطمه و فتنه اما

بمان سخت در جایگاه بلندت
چو امواج دریا شکن را شکستی

کند با تو دریا اگر شوخ چشمی
دل از تشدد باد حوادث ملرزان

که آرام بر طرف دریا نشستی
چنان کوه سنگین بیک جا نشستی

تو در جای خود محکم و استواری
تو بر آنچه پیش آیدت بردباری

خروشان و جوشان و بی تاب و سرکش
ولی نیست ترسی ترا زین کشاکش

نه از خشم دریا پوخت دجاری
تو ای مظهر سختی و پایداری

ولی شاد و مغرور بر جا نشستی
که امواج دریا شکن را شکستی

تو آن سنگ مغرور دریا کناری
چنان کوه بر جای خود استواری

میندیش از کوسه‌های یا نهنگی
تو دیگر نه آن خاک نرمی که سنگی

زند باد و طوفان ترا تازیانه
که هستی تو بر جای خود جاودانه

ملک الشعراء بهار

هست ایران چو گران سنگ و حوادث چون سیل

خطه ایران منورگه شیران که خدایش
نام پیروزی بنگاشته بر هر سر سنگ
کنوری جای مه آبانی و شاهان کسان
مهرتانی چو کیمارز و چو آذر هوشنگ
آنکه جشیدش بر کرد ز کیوان بهیام
والکه کوشش بنهاده بگردون اورنگ
شاه کیمیجه او ببرد حتم تا در صفر
شاه گنشاب او رواند به تا در گنگ
شاه دارای کبیرش زقط وادی نیل
تا خط وادی آموسه درآورد بچینه
تیردانش زد بر دیده یونانی تیسر
ارشدشیرش زد بر تارک رومانی سنگ
بت شاپورش دست ملک روم به زرم
کرد پیرایش بر پای هیمان پلاهاک
ملک منصورى او در ری تا در چین
ملک مصعودى او از در چین تا لب گنگ
لشکر دولک بلجوقش ببرد بگام
از خط بلخ ارم تا چین بپوشنگ
دانت فرهنگ هزاران ز ملک اسماعیل
هر زبانی هفتاد هفت هزاران فرهنگ
بگه دولک تهماسب هفتاد روز هیمان
یکی جای غوغوند بهم گور و بلنگ
مگرچه بد دولت ایسران بگه نادرشاه
هه تیغ و هه نیسر و هه رزم و هه جنگ
لیک از آن رزم به ایسران را آمایش و فرم
هه از آن جنگ به ایسران را آرایش و هک
هست ایران چو گران سنگ و حوادث چون سیل
بگذرد سیل خروشان و بیجا ماند سنگ

امیر هوشنگ خسروانی

ایران ما

من عاشقم و دلبر جانان من اینجاست
رو بر کمرم چونکه دل جوان من اینجاست
هرزنده‌دلی را نگری عشق و امید است
عشق من و یار من و جانان من اینجاست
دل عهد و وفا بسته و هر قطره خونم
فریاد برآورده که بیمان من اینجاست
از غم نغم شکوه و از درد شکایت
زیرا که طیب من و درمان من اینجاست
فردوس و همه سرو و گل و جحر و قنوص
آرزای زاهد، که کستان من اینجاست
هرگز بزم آرزوی سیر جهان نیست
زیرا که بناه و سرو سامان من اینجاست
فرمود نیی حب وطن پایسه دین است
پس آنچه بود مایه ایمان من اینجاست
گیرم که جهان رنگ بهشت است امیرا
آخر نه دلارام من، ایران من اینجاست

روزنامه جشن شاهنشاهی ایران

نشر مخصوص وزارت اطلاعات

این روزنامه طی ۱۰۰ شماره همراه با جراید
کشور و برابری با نیراز کلیه روزنامه ها چاپ و
منتشر می شود.

تهیه و تنظیم زیر نظر ایرج نبوی

گرامی داشتن مقام و حقوق زن ...

استادند و درجین حال، میکوشیدند تا از طریق انجام کار و شرکت در تولید درآمد برای خانواده، به مردان باری دهند.

این شیوه نیکو، و احترام به حقوق زن و ارج نهادن به آزادی او، در این روزگار به اوج خود رسیده و همانگونه که حتی مردم جوان، آگاهی دارند امروز در مملکت ما، زنان، در همه زمینه، حقوق برابر مردان دارند.

آناندر سایه آزادی های مختلف اجتماعی و حقوقی و سیاسی و فرهنگی که به اراده و فرمان شاهنشاه خردمند پادشاه اعظم است، یا به پای مردان در همه زمینه های زندگی به تسلسل برخاسته‌اند و دوش بدهش انسان برای بگردش درآوردن چرخهای عظیم اجتماع ایران پیشروتر می‌دهد برای رسیدن به روزگاران تابناکتر به پیش می‌تازند.

این نمره حکومتی است که آزادی را برای همه محسوس می‌دهد و به برتراندن ایمن اندیشه‌های مقدس دست یازیده که: انسان آزاد آفریده شده و هیچ انسانی را، از نقطه نظر خصیلت های فیزیکی و ظاهری بر دیگری برتری نیست.

اجتماع است و پایداری تربیت و پایه احترام و پایداری انسان در آنجا نهاده میشود و استواری میباید. وزن ایرانی، در خانواده معنای در خود داشت. زیرا مرد ایرانی دوازدهت بود که او، در مساعدهنده اجتماع فرداست. چه فردا، در دست فرزندان او بود و فرزندان او، در سایه حمایت مادر، پرورش می‌یافتند.

از نقطه نظر مذهبی، الهه «آناهیتا» مورد توجه خاص بود و این توجه را، بخصوص می‌توان از بنای معبدی که به همین نام، برای او ساخته‌اند، در شاهان ایران زمین، در خود و بیشتر احترام به مقام زن‌زادان، پیوسته مشاهده کرد.

پیوسته شاه، و برای احترام به مقام زن و حمایت از خانواده، مردانی که متاهل بودند، بویچو قانونی، در ایام صلوات پادشاه در اطراف بناها مهاب بودند نایه خانی خود روند و زنان، خود پاس آزادی را می - داشته. آنان به ورزش مشق میوزیدند. در خانه، برای فراهم آوردن آسایش و آرامش مردان خود، تلاش میکردند و خانه را می -

نهایی می‌یاد و اینگونه، زن، که از نظر آفرینش دارای گوهری همیشی گوهر مرد بود، در پیش بوضی اقوام، به همراهی یابین سقوط کرد. اما در ایران زمین، همواره، حرمت زن، در نظر بود.

در ایران باستان، زن، مقام والا داشت. او قشر بزرگی از توده مردم را شکل میداد و از حقوق و امتیازات بی‌شماری سود میگرفت.

زنان، در فعالتهای اجتماعی، و بخصوص در امر آموزش و پرورش، به تلاش می‌تازیدند. آفریدی، فرمودی امروزی‌روز را ارج می‌تواند و دستورات او را در مورد زنان بکار می‌بست. حتی در سیاه ایران زمین دارای مشاغل و مشاغل بودند و چندین نفر از آنان به درجات عالیسی نظمی دست یافته، در لشکرگرمی شاهنشاه کیموچی «ارتش» شرکت جست و آنگونه شجاعت ورزید که تحسین دوست و دشمن را برانگیزد. و آنگونه که کسیه هاگونه که قبلا باز نموده‌ام خانواده، کوچکترین واحد یک

بقیه از صفحه ۱
شکل ظاهری و فیزیکی، نمی‌تواند انسانی را، از انسان دیگر، در مرتبه‌ای برتر بشناسد. آفریننده، چون از خلقت آدمی آسوده، به آفریدی خود نظر کرد. و او را تنها یافت. و آنگاه انسان دیگری را، که از نقطه نظر منتهای، با او برابر بود، و از دیدگاه عواطف انسانی، نازک‌تری، و آفرید «آدم» همسر خود، و همسر راه زندگی خود را در کنار خود دید. و از نقطه نظر منتهای، با او برابر بود، و از دیدگاه عواطف انسانی، نازک‌تری، و آفرید «آدم» همسر خود، و همسر راه زندگی خود را در کنار خود دید. و از دیدگاه عواطف انسانی، نازک‌تری، و آفرید «آدم» همسر خود، و همسر راه زندگی خود را در کنار خود دید. و از دیدگاه عواطف انسانی، نازک‌تری، و آفرید «آدم» همسر خود، و همسر راه زندگی خود را در کنار خود دید.

آنگاه، در منش انسانی، تباهی فرود می‌یاد. و منش او را در خطا و بدبختی میکشید. و منش او، منشی و بدبختی را پذیرا میشود. و بدبختی‌ان، آدمی، کسیه گردارش، جلوه‌ای از منش او، و اندیشه‌ی اوست، دست بسته



حسب رمای جشن از داخل و خارج

بر نامه هائی که در قلمرو و کارگری اجرا میشود ..

بازوی توانای کارگران

۶ لوحه یاد بود بر ۶ قله مرتفع ایران نصب می کنند

● شورای کارگران برنامه ای تدوین کرده تا در ایام فرخنده جشنها ، ۶ لوحه یاد بود بر ۶ قله مرتفع ایران توسط کارگران ورزشکار نصب گردد.

● جشنهای متنوع توسط هنرمندان کارگر و برگزاری مسابقات و مراسم ورزشی به مدت ۶ روز در استادبوم کارگران و مراکز ورزشی در نقاط مختلف مملکت از دیگر برنامه های شورای کارگری میباشد.

در تهران هر روز ۶ هزار نفر در برنامه های متنوع استادبوم کارگران شرکت خواهند کرد.

● ۶ نمایشگاه بزرگ عکس از پیشرفتهای کارگری و کارفرمایی در ۶ استان ترتیب می یابد.

● و بدین ترتیب کارگران ایران صمیمانه ترین احساسات خود را بمناسبت برگزاری جشنهای شانهاهی تقدیم رهبر انقلاب مینمایند.

چهره سازنده جشنها

در سطح مملکت، لباس مخصوص با آرم یادبود جشنها، تحویل داده میشود.

● یکی دیگر از پدیده های سال کوروش کبیر و برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله شانهاهی ایران تمجید و فراهم آوردن موجبات هرچه بیشتر امور بهداشتی و درمانی بین جوامع مختلف مملکت میباشد.

اجرای این برنامه های اجتماعی و انسانی را وزارت بهداشتی - جمعیت شیروخورشید سرخ ایران و شورای کارگری جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شانهاهی ایران عهده دار میباشد.

شورای کارگری جشنها ، در برنامه منبجعه خود، همزمان با ایام جشنهای خجسته شانهاهی - درمانگاههای مجهزی را که در جلفا - شیراز - بندر شاهپور ساختمان گردیده ، مورد بهره برداری قرار میدهد. و صد ها و هزاران کارگر شریف و زحمتکش این مناطق همزمان با برگزاری جشنهای شانهاهی از وسایل درمانی بهره مند میشوند .

همچنین درمانگاه مجهزی در رضائیه گشایش می یابد. شورای کارگری بنسبیت جشنهای فرخنده ، بیمارستان شماره ۵ تهران را که مجهز به بخش جراحی و رادیولوژی است مورد بهره برداری قرار خواهد داد.

یک کارگر ساده میگفت :

« راستنما خیال میکردیم منظور از جشن، چراغانی و بستن طاق نصرت و شربت و شیرینی است. حالا متوجه شدیم که جشنهای شانهاهی ایران ، جان تازه ای بهمی قشرا بخصوص بنا کارگران بخشیده و می باشد.

کارگر دیگری عقیده داشت:

با برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ سال شانهاهی ایران ، دنیا پیش از پیش متوجه خواهد شد ملت ایران دارای چه افتخاراتی است و شناخت دنیا از این افتخارات باعث میشود تا من کارگر روزی که برای کار آموزی به خارج اعزام شد، همه بگویم من ایرانی هستم و از کشور شانهاهی آمندام.

● شورای کارگری جشنها برای گرمیادداشت عظمت جشنها، علاوه بر ایجاد و توسعه مراکز درمانی فوق در تبریز یرد و مشهد - اقدام به ایجاد مراکز رفاه برای کارگران کرده است. این مراکز که در اراش، و سببی ایجاد گردیده دارای کلیه وسایل و لوازم آسایش و رفاه کارگران میباشد.

● این مراکز دارای سالنهای اجتماع - کتابخانه - زمینهای ورزش و لوازم و وسایل ورزشی میباشد که باضرافعیات قابل توجهی ، کامی ارزشمند برای آسایش و رفاهیت کارگران محسوب می شود.

● همزمان با برگزاری جشنهای شانهاهی ، بکلیه کارگران

کمیته جشن شاهنشاهی

درفلاند

رباست عالی :

حضرت اورهو کالوا ککون ، رئیس جمهوری

رئیس اجرائی :

جناب آقای یاکوهیمن معاون وزارت آموزش

اعضای کمیته :

جناب آقای آهتی کارمالاین
جناب آقای یاکو ایلتا
جناب آقای اولوی ماتیل
جناب آقای یوماسرو ولاین

آقای یوسی ساوتون
آقای توداویا
خانم سلوی سیلتان
آقای ریکاردو ترمن
آقای هیگهائیکاین

آقای کالرو ونسیتی کالا
آقای آلی لاهتین
آقای مائونو کویلیسیسو
آقای ارفی رابنکاین
آقای د. ۱. فلاترولم
پروفسور آرماس سالون

پروفسور یوسی آرو

دکتر هنری بروسی
خانم تهمینه علاءالدین

آقای آتوسارگو

دکتر تورستن استاین بی

آقای پنتسوروالی

آقای تانکمارهوم

پروفسور اوزارتو

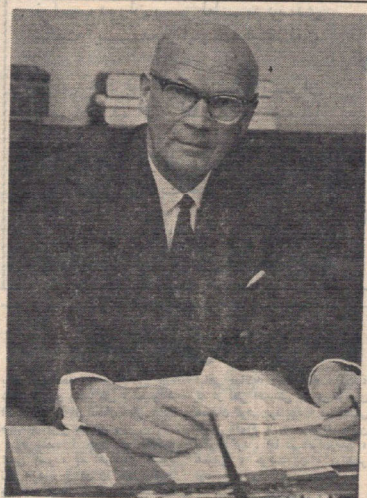
پروفسور اولیسی بوی

پروفسور یاکو سونلاهی

پروفسور پیر یولیوستد

آقای ایلنپان

آقای سیونومی



حضرت اورهو کالوا ککون ، رئیس جمهوری فنلاند



آقای ا.ا. کالاهولم



آقای آهتی کارمالاین